



معرفی و نقد کتاب

چکیده‌ای از کتاب Literary Structures
of Religious Meaning in the Quran

ساختارهای ادبی مفاهیم دینی در قرآن

ویرایش و تنظیم (Issa J. Boullata)
عیسی ج. بولاتا، انتشارات کورزون

سال ۲۰۰۰ میلادی

جواد قاسمی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه ترجمه

زبانهای اروپایی

از سال ۱۷۰۰ تا ۱۹۹۵ میلادی حدود ۲۵۹۹ مقاله و کتاب در باره قرآن اعم از ترجمه و تألیف نوشته شده است.^۱ نویسندگان این مقالات از میان پژوهشگران مسلمان و غیر مسلمان‌اند. بعضی از این مقالات به قلم دانشمندان مسلمانی نوشته شده است که علوم قدیم اسلامی را به طور منظم در مراکز علمی و دینی خوانده‌اند و در کنار آن با روشهای پژوهش و آداب نگارش نیز آشنا شده‌اند. برخی دیگر را محققان غرب که با شیوه کهن و گام به گام آموزش دینی و علوم اسلامی آشنا نیستند به

۱ - بنگرید به: کتاب‌شناسی مطالعات قرآنی به زبانهای اروپایی، به کوشش مرتضی کریمی‌نیا، مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۰ش.

رشته تحریر کشیده‌اند. اینان با نگاهی دیگر به متون اسلامی و قرآنی نگریسته‌اند؛ با فضای فکری متفاوت از آنچه مسلمانان در آن به سر می‌برند. اما با روشهای جدید پژوهش، با معیارها و دیدگاههای خاص خود. به هر تقدیر، تحقیقات اسلام‌شناسان غرب از هر گروهی که باشند: مغرض، مدافع یا بی طرف، دست کم دانشمندان مسلمان باید از آن آگاهی داشته باشند. اسلام‌شناسان غرب بیشتر از منظر تاریخی به متون اسلامی نگریسته‌اند. درک مفاهیم و پی بردن به محتوا و تفسیر متون قرآنی، فقهی، فلسفی و حدیثی کانون توجه دانشمندان مسلمان بوده و اختصاص به هم اینان دارد. سنت متن خوانی در غرب نبوده است. البته باید گفت که اغلب تخصصی و دقیق کار کرده‌اند. خلاها ریافته و جستجو و عرضه کرده‌اند. حال هر کدام در این عرصه به خطا رفته باشند، پاسخ گفتن به آنها جز با ابزار تحقیق و پژوهش روانیست.

Literary Structures of کتاب Religious Meaning in the Quran

ساختارهای ادبی مفاهیم دینی در قرآن، جلوه‌های ادبی قرآن کریم را در شیوه بیان مفاهیم، رساندن پیامهای دینی و انتقال معانی نشان می‌دهد. نویسندگان این مقالات از پژوهشگران مسلمان و غیر مسلمان رشته‌های مطالعات و علوم قرآنی تشکیل شده‌اند که به درخواست ویراستار و گردآورنده آن (Issa J. Boullata) عیسی ج.

بولاتا، استاد دانشگاه مک گیل کانادا در رشته مطالعات قرآنی و ادبیات عرب، و با انتخاب خود این مقالات را نوشته‌اند. هدف از این مقالات مطالعه ساختارهای ادبی قرآن کریم برای درک بهتر مفاهیم عمیق آن است.

این کتاب به طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. بخش اول پژوهشهایی است درباره کل قرآن یا قسمت عمده‌ای از آن که به یک دوره تاریخی از نزول آن مربوط می‌شود. این پژوهشها به تحلیل زبان قرآن، سبک و بافت آن، ویژگیهای زیباشناختی، فصاحت و بلاغت، صور خیال و نیز تأثیر این عناصر و اهمیت آنها می‌پردازد. بخش دوم سوره‌های خاصی از قرآن را بررسی می‌کند و عناصر ادبی و نقش آنها را در چگونگی انتقال معانی نشان می‌دهد؛ مقالات این بخش ساختار آیاتی که این معانی را می‌رسانند و انسجام آیات را نیز بیان می‌کنند. بخش سوم مباحث قرآنی دانشمندان اسلامی مانند شریف رضی، ابن قتیبه و سید قطب را مطرح می‌کند که از نگاه تجلیل‌آمیز آنان نسبت به جنبه‌های ادبی قرآن حکایت دارد و نشان می‌دهد که چگونه تحقیقات زبان‌شناختی، معناشناختی و ادبی در دنیای امروز به سهم مسلمانان در این خصوص می‌افزاید.

مقاله اول: «نگرشی ادبی به سوره‌های آهنگین قرآن»، نوشته مایکل سلز (Michael Sells). در این مقاله دو سوره زلزلا و شمس از نظر ادبی و نظم خاص درونی آنها مورد بحث قرار

می‌گیرند. ارتباط آیات با یکدیگر از نظر روح، وزن و آهنگ خاص آنها بررسی می‌شود و شیوایی خاص آنها را نشان می‌دهد. اعجاز قرآن در نظم توأم با مفاهیم ژرف آنها نهفته است. وحی و رای زمان و مکان است. نویسنده می‌پرسد که اگر وحی فرازمانی و فرامکانی است، چگونه در قالب زمان منتقل می‌شود و در لحظه‌ای خاص از تاریخ به انسان ابلاغ می‌گردد؟ کلام خداوند وقتی در عالم خلق تنزل پیدا می‌کند، مخلوقات چگونه تاب و توان حفظ و فهم آن را دارند. سپس به آن پاسخ می‌دهد و می‌گوید آنچه محفوظ می‌ماند روح کلام است. ارتباط «روح» با نبوت در نزول وحی و مقایسه آن با «روح» حضرت عیسی از مباحث دیگر است. سوره‌های القارعه، انفطار، قدر و... از لحاظ خصوصیات محتوایی، مرجع ضمائر، وزن و آهنگ آنها و ارتباط زنجیره‌ای و مفهومی میان آنها و نیز علت استفاده از ضمیر «ها» از جمله مباحث دیگر این مقاله است. نویسنده به آثار مفسران بزرگ اسلام در این باب اشاره و نظر آنان را هم ذکر می‌کند.

مقاله دوم: «انتقال و حدود آیات از نظر موضوع در دو سوره بلند قرآن، بقره و نساء»، نوشته ماتیس زهنیسر (Mathias Zahniser).

نویسنده در این فصل درباره مرز اصلی میان سوره‌های بزرگ قرآن؛ یعنی سوره بقره و نساء و انتقال آیات سخن می‌گوید و آنها را از نظر ساختار درونی با یکدیگر مقایسه می‌کند. او

برای دیدگاههای خود نمونه‌ها و مثالهای زیادی از آیات قرآن می‌آورد و می‌گوید اگر چه میان آنها هماهنگی و انسجام وجود دارد، اما از نظر استحکام با یکدیگر برابر نیستند. بعضی از آنها در قالب جمله‌های معترضه آمده یا تکرار شده‌اند و یا بسیار موجز بیان شده و از موضوع اصلی فاصله گرفته‌اند. گاه وضوح آیتی که از یکدیگر جدا افتاده‌اند بیش از آیتی است که با یکدیگر پیوندی متحد و یگانه دارند. به نظریات امین احسن اصلاحی در کتاب تدبیر القرآن و برداشتهای نیل رابینسون (Neal Robinson در کتاب Discovering the Quran) کشف قرآن استناد می‌جوید و نظریات آنها را بررسی و تحلیل می‌کند. بعضی دیگر از مباحث آن عبارت اند از: مسئله زمان پیش از خلقت، در لحظه خلقت، پس از خلقت؛ نگاهی زبان‌شناختی به آیات قرآن، مرجع ضمائر بعضی از آیات، مؤنث بودن یا مذکر بودن و دلیل آنها و نیز اشکال بر بعضی ترجمه‌های انگلیسی از آیات قرآن.

مقاله سوم: «متن و ماهیت آن در قرآن، سوره آل عمران، آیه هفتم»، جین دامن مکالیف (Jane Dammen McAuliffe).

نویسنده در این مقاله درباره روشهای تفسیری و هرمنوتیک قرآنی سخن می‌گوید. آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...﴾ را به منزله اصلی می‌داند که تفسیر قرآن بر بنیاد آن

است. نویسنده مقاله دو واژه «محکم و متشابه» را بررسی می‌کند و در این زمینه به تفسیرهای اولیه قرآن نیز استناد می‌جوید؛ مثل: تفسیر مجاهد بن جبیر، زید بن علی، مقاتل بن سلیمان، سفیان ثوری، ابو عبیده و عبدالرزاق صنعانی. درباره بعضی از واژه‌های دیگر این آیه قرآن مثل «تأویل»، «فتنه»، «راسخان در علم»، «زیغ» و... نیز بحث و تأمل می‌کند و نظریات مفسران را درباره آنها بیان می‌دارد.

مقاله چهارم: «هشدار به کافران در قالب تکرار آیات»، نوشته آلفورد ت. ولج (Alford T. Welch)

در این مقاله درباره تکرار برخی آیات هشداردهنده قرآنی به کافران و رسیدن عذاب الهی به آنان در صورت انکار خدا و پیامبران سخن به میان می‌آید. آیاتی که در ساختاری یکسان در چند سوره قرآن آمده‌اند؛ مثل آیه اول سوره الحديد، حشر و صف و نیز آیه «وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۱﴾» در سوره مرسلات و آیه «فَبَأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۱﴾» در سوره الرحمن، از موارد تکرار است که نویسنده به بحث و تأثیر و محتوای آنها می‌پردازد. در آیه‌های سوره شعرا نیز قوم نوح و شعیب و... مورد سرزنش قرار می‌گیرند. نویسنده مقاله به تفسیری درون‌گرایانه از این آیات می‌پردازد و آنها را از لحاظ هموزن و هم‌قافیه بودن با یکدیگر مقایسه می‌کند. آیاتی که در ساختاری یکسان در چند جای قرآن تکرار

می‌شوند، ویژگی‌هایی دارند که آنها را برمی‌شمرد؛ مثل آیه «وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۱﴾». سوره قمر را نیز به لحاظ هموزن بودن کلمات بررسی می‌کند و می‌گوید این سوره تنها سوره‌ای است که مصوّتهای همگون دارد. در این سوره هم آیاتی پیوسته می‌آیند که از عقاب خداوند سخن می‌گویند؛ مثل آیه «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرِي ﴿۱﴾». سپس به بررسی سوره اعراف می‌پردازد و آن را به چهار بخش عمده تقسیم و درباره آنها بحث می‌کند. سوره هود و مؤمنون نیز از سوره‌های هشداردهنده دیگری است که مورد توجه نگارنده مقاله قرار می‌گیرد.

مقاله پنجم: «زبان نمادین قرآن درباره مسئولیت فردی»، نوشته اندرو ریپین (Andrew Rippin).

در این مقاله «مسئولیت فردی» انسان نسبت به جبر و اختیار بحث می‌شود. یکی از مباحث اصلی آن آیه «أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ ﴿۱﴾» است که معانی گوناگون «وجه» را بررسی می‌کند. آیا «وجه» همان صورت ظاهری است یا چیزی است غیر از آن، ذات است یا حضور. مقایسه‌ای هم با وجه در قرآن و انجیل و زبور داوود دارد و تشابه و وجه مشترک میان آنها را بیان می‌کند. البته در جایی به طرح موضوعی می‌پردازد که با دیدگاه‌های اسلامی سازگار نیست؛ مانند عبارتی که در صفحه ۱۲۰ از نویسنده‌ای به نام بالجن (Baljon) نقل می‌کند مبنی بر اینکه «ابتغاء

وجه‌الله» را یا پیامبر اسلام خود از عبری به عربی ترجمه کرده (به فرض آنکه عبری می‌دانسته است)، یا دوستان یهودی‌اش آن را به عربی بازگردانده‌اند!^۱ به آیات دیگری هم که این عبارت یا نظیر آن در آنها آمده است اشاره دارد؛ نتیجه آنکه می‌خواهد بگوید آیه ابتغاء وجه‌الله و معانی دیگر «وجه» در قرآن بر مسئولیت آدمی در برابر خداوند دلالت دارد، اگر چه خداوند در میان آنها نیست.

مقاله ششم: «فواتح السور؛ حروف اسرارآمیز قرآن»، نوشته عرفان شهید (Irfan Shahid). یکی از ویژگیهای اصلی قرآن بی‌مانندی آن است که جلوه‌ای از آن در قالب عبارتهای ادبی است، به گونه‌ای که اعجاز قرآن را نشان می‌دهد. فواتح السور، مثل (ن، ق، حم، یس، طس، طه و...) از نشانه‌های اعجاز و از جمله اسرار قرآن کریم به‌شمار آمده‌اند. بررسی فواتح السور در این مقاله به تحلیل مفصل هفت آیه نخست سوره مزمل انجامیده است و ارتباط آن را با نزول وحی بر پیامبر اکرم بیان می‌کند. نویسنده این مقاله دو دیدگاه را مطرح می‌کند که بر اساس آن، این حروف در اصل جزء وحی نبوده و به هنگام تهیه نسخه عثمانی قرآن در قرآن گنجانده شده‌اند!^۲ دیدگاه دوم آن است که این حروف جزء وحی‌اند و بر پیامبر نازل شده‌اند. به گفته او این نظر بیشتر مسلمانان و حتی محققان غیر مسلمان است. اساس فرضیه نویسنده هم در تحقیق پیرامون فواتح السور همین دیدگاه اخیر است. پیامبر

چون امین و دقیق بوده هر چه را شنیده عیناً به امت خویش ابلاغ کرده است تا رسالت خود را انجام داده باشد.

مقاله هفتم: «محتوای متن و ارجاع در سوره حجر، نکاتی درباره تشریح در قرآن و ظهور یک امت»، نوشته انگلیکا نورث.

مهم‌ترین عناوین مورد بحث در آن عبارت‌اند از: تشریح در قرآن و ابعاد علمی و اجتماعی آن؛ بررسی سوره حجر به منزله متنی ادبی؛ ارجاع به متن به عنوان ویژگی ارتباطی قرآن؛ جنبه‌های کمی و کیفی «القرآن العظیم»؛ زیربنای اصلی تکوین شرع؛ وضع حکم نماز در سوره حجر و...
مقاله هشتم: «کنایه در قرآن مجید: بررسی داستان حضرت یوسف (علیه السلام)»، نوشته مستنصر میر (Mustansir Mir).

این مقاله به بررسی عنصر ادبی «کنایه» در قرآن می‌پردازد. بخش اول آن به بررسی تفسیرهای این سوره می‌پردازد. در بخشهای سوم و چهارم تحلیل و مقایسه‌ای میان روایتهای قرآنی داستان حضرت یوسف و روایت انجیلی آن دارد. از تفاوت‌های عمده میان روایت قرآن و آنچه در تورات آمده است طرح و نقشه قبلی برادران یوسف برای از میان بردن وی در قرآن

۱ - مقصود بیان شمه‌ای از محتوای مقاله است و گر نه پیداست که این دیدگاه غیر مسلمانی است که قرآن را وحی الهی نمی‌داند.
۲ - دیدگاه غریب و شگفتی است که هیچ قرآن‌شناسی بیان نکرده و معلوم نیست آقای عرفان شهید بر چه اساسی این نظر را ابراز داشته است.

و نبود چنین طرح و نقشه‌ای در تورات است. تفاوت دیگرش بی‌اعتمادی یعقوب نسبت به برادران یوسف در قرآن و کم‌رنگ نشان دادن این مسئله در تورات است. نویسنده کنایه را به دو قسمت تقسیم می‌کند: کنایه در رویداد و کنایه در کلام و آنها را شرح می‌دهد. از نظر وی صنایع لفظی، معنوی و ادبی در قرآن شایان توجه است. مقاله نهم: «تأملاتی درباره نیروی محرکه و معنویت سوره فرقان»، نوشته انتونی جانز (Anthony H. Johns).

در این فصل به طور کلی درباره سه موضوع مهم در قرآن؛ یعنی توحید، نبوت و معاد بحث می‌شود. مجادلات کافران و مشرکان را با خداوند و پیامبر او و پاسخ خداوند را به آنان ذکر می‌کند. ادبیات خاص قرآن، ظرافتهای زبانی، معنایی و روحانی طنزها و کنایه‌های قرآنی در رویارویی با مشرکان، مورد توجه نویسنده این مقاله قرار می‌گیرد. وی در این مقاله چهل صفحه‌ای، مباحث خود را درباره محتوای سوره فرقان به نوزده بخش کوتاه تقسیم می‌کند و برای هر یک عنوانی می‌گذارد که با تحلیلهایش از آن تناسب دارد؛ مثلاً عنوان اول آن بحث درباره «حمد و ستایش» است که با این آیه شروع می‌شود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا. الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا»

نویسنده با ترجمه آیات به انگلیسی و شرح

و بیان آنها به تأمل در جزئیات آیات می‌پردازد و ویژگیهای خاص آنها را بیان می‌کند. ورود در مفاهیم ژرف و معانی عمیق قرآن را چنان به خود راه می‌دهد که توگویی مفسری است با پیشینه‌ای دیرین و واجد همه شرایط لازم.

مقاله دهم: «تأثیر سحرانگیز قرائت قرآن در شنوندگان؛ صوت، معنا و بیان در سوره العاديات»، نوشته ثریا م. حجاج جراح (Soraya M. Hajjaji-jarrah).

در این مقاله بعضی از وجوه معنایی و صوری قرآن، با توجه به ویژگیهای ادبی و زیباشناختی جدای از مباحث لغوی و نحوی مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده سوره عادیات و سوره مدثر را از نظر ویژگیهای زبان‌شناختی، آوایی، صرفی، نحوی و تأثیر آنها بر خواننده دقیقاً توصیف می‌کند و نظر علمای اسلامی را درباره آنها بیان می‌دارد. او حتی کوچک‌ترین ویژگیهای آیات را - هر چند ممکن است در ظاهر چنین بنماید - مانند حروف عطف «ف» و «و»، مؤنث و مذکر کلمه‌ها مورد مذاقه و کاوش قرار می‌دهد. به نظر او، در این سوره مفاهیمی چون نیرو، شگفتی، ضرورت، آشوب، شورش، استیلا و اقتدار در قالب کلمات ادبی و به صورت استعاره بیان می‌شوند و کل واحدی را تشکیل می‌دهند که از بند هر چارچوب و نظام خاصی رهاست.

مقاله یازدهم: «جنبه‌های زیباشناختی قرآن در پذیرش اسلام در تاریخ سالهای نخستین»، نوشته

نوید کرمانی (Navid Kermani).

در این مقاله جنبه‌های زیباشناختی قرآن در جذب افراد به اسلام بیان می‌شود. نویسنده برخی آیات و عبارات قرآنی را که در آنها صنعت ادبی به کار رفته، و برای مخاطب جذابیت دارد مطرح و سپس قرآن را با انجیل مقایسه می‌کند و می‌گوید در هیچ جا ذکر نشده که زیبایی‌گفتار و سحر بیان انجیل افراد را جذب مسیحیت کرده و موجب گسترش آن شده باشد، بلکه جنبه‌های زیباشناختی کتاب مقدس در مسیحیت نقشی ثانوی دارند. آنچه مهم است اهمیت اخلاقی متون دینی در تأثیر درونی بر افراد است. بنابراین در هیچ گزارشی تاریخی درباره مسیحی شدن مردم و پذیرفتن مسیحیت داستانی شبیه به داستان مسلمان شدن عمر بن خطاب و ولید دیده نمی‌شود. آن‌گاه نویسنده مقاله به نقل بعضی از گزارشهای تاریخی درباره اسلام آوردن مردم می‌پردازد و از قاضی عیاض نقل می‌کند که یک مسیحی مذهب، که نه مفهوم قرآن را درک می‌کرد و نه تفسیر آن را می‌دانست، هرگاه صدای قرائت قرآن را می‌شنید، می‌گریست و از نظم و زیبایی آن به وجد می‌آمد.

مقاله دوازدهم: «مسئله «حذف» در آیات قرآن؛ بررسی کتاب تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه»، نوشته یوسف رحمان.

در این مقاله بحث میان دو نویسنده علوم قرآنی، صلاح سلیم علی و ا. جانس (Johns) درباره «حذف» برخی عبارتها و کلمات در قرآن

و نحوه ترجمه آنها به زبان انگلیسی بیان می‌شود. از نظر سلیم علی، پیکتال و یوسف علی دو مترجم مسلمان قرآن به زبان انگلیسی، عبارتهای محذوف در قرآن را درک نکرده و از این رو در ترجمه دچار اشتباه شده‌اند. از نظر جانس این دو مترجم در ترجمه عبارتهای حذف شده در قرآن «به سنت تفسیر و مفسران قرآن وفادارند». جانس در این خصوص به تفسیر جلالین، و تفسیر کبیر فخر رازی تکیه کرده است. نویسنده به بررسی این دیدگاهها و نیز بحث «حذف» قرآن، به ویژه از نظر کتاب تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه می‌پردازد و نظریات مهم ابن قتیبه را در این خصوص بیان می‌دارد و به تحلیل آنها می‌پردازد. ابن قتیبه بر این باور است که ترجمه قرآن به زبان دیگر ممکن نیست؛ زیرا انواع مجازی که در زبان عرب وجود دارد در زبانهای دیگر نیست. استعاره، مقلوب، حذف و اختصار، تکرار کلام و زیادت در آن، کنایه، تعریض و بسیاری دیگر از انواع مجاز، ترجمه قرآن را به زبانی دیگر ناممکن می‌سازد.

مقاله سیزدهم: «تفسیر ادبی شریف رضی از قرآن»، نوشته محمود م. ایوب (Mahmoud M. Auoub).

فصاحت و بلاغت همواره یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن به‌شمار آمده است. در این مقاله سیر تحولات اولیه در شیوه‌های ادبی تفسیر قرآن بررسی می‌شود. تأکید اصلی آن بر تفسیر ادبی شریف رضی از قرآن است که یکی از فقها

و ادبای برجستهٔ زمان خود بود. نویسنده به نظریات کلامی او اشاره می‌کند و مباحثی را که در خصوص حضرت مسیح عليه السلام و توحید مطرح کرده است نیز می‌آورد.

مقالهٔ چهاردهم: «مجاز و زبان استعاری قرآن، از دیدگاه ابو عبیده و شریف رضی»، نوشته کمال ابودیب (Kamal Abu-Deeb).

در این مقاله چهل و اند صفحه‌ای نظریات بعضی از مفسران به ویژه ابو عبیده و شریف رضی در بارهٔ استعاره و مجاز بیان می‌شود و نویسنده در آنها به آیات و کلمات مجازی قرآن اشاره می‌کند و به آنها مثال می‌زند. مهم‌ترین مباحث آن عبارت‌اند از: نظر ابو عبیده درباره مجاز در قرآن؛ نظر شریف رضی درباره مجاز و استعاره در قرآن، که در آن به مباحثی چون ساختارهای زبان‌شناختی، تازگیها و ابتکارات تفسیری شریف رضی و احیای استعاره‌های از بین رفته اشاره می‌کند. امکان تفسیرهای گوناگون، پیچیدگی و دقت تفسیرهای شریف رضی در این خصوص نسبت به پیشینیانش، ابعاد فرهنگی، اعتقادی و مابعدالطبیعی مجاز و استعاره، ساختارهای اسطوره‌ای، سرچشمه‌های اعتقادی استعاره و حل مسائل دشوار، ریشه‌های فرهنگی مجاز و استعاره، از مباحث دیگر آن است.

مقالهٔ پانزدهم: «ارزیابی ادبی سید قطب از قرآن مجید»، نوشتهٔ عیسی ج. بولاتا (Issa J. Boullata).

در این مقاله نویسنده با ذکر شرح حال سید قطب به بررسی دو کتاب *التصوير الفني في القرآن* و *مشاهد القيامة في القرآن* از سید قطب می‌پردازد و دیدگاه‌های او در مورد ویژگیهای هنری قرآن و نظر او را درباره مفسران قدیم قرآن تحلیل می‌کند. سید قطب این دو کتاب را دربارهٔ صنعت‌های ادبی قرآن نوشت، اما فعالیت‌های سیاسی‌اش به او اجازه نداد تا این گفتار را به پایان برد. سید قطب می‌گوید وقتی قرآن می‌خواند از دنیای الفاظ فراتر می‌رود و به دنیایی دیگر و مرتبه‌ای دیگر از حقیقت قدم می‌نهد و در این هنگام لفظ قرآن را از یاد می‌برد. قرآن وجدان و ضمیر باطنی فرد را بیدار می‌کند و آهنگ شیوایی عبارات و کلمات قرآنی و سیله‌ای هستند برای وجد و شعور باطنی و رسیدن به امری و رای عقل و استدلال. سید قطب تفسیری در سی جلد با عنوان *في ظلال القرآن* نوشته که در آن به دو کتاب اشاره شده استناد می‌کند.

امید است ترجمه فارسی این کتاب هر چه زودتر در اختیار پژوهشگران علوم قرآنی قرار گیرد. ①